چرا سینمای طنز ایران اینگونه شد؟

فیلم‌هایی بی کیفیت با فروش میلیاردی!

■ بسیاری از منتقدان سینمای ایران باور دارند، سینمای کمدی ایران فاقد غناست و تنها آثاری به مخاطبان ارایه می‌شود که موفق به فروش‌های هنگفت شوند.

گروه سینما و تلویزیون– اگرچه جادوی «برادران لومیر» خیلی زود وارد ایران شد اما پیشرفت کیفی هنر هفتم در ایران بسیار کند اتفاق افتاده است. امروز آثار نمایشی فراوانی در سبد محصولات سینمای ایران ارائه می‌شوند اما اغلب از منظر فرم و محتوا تفاوت چندانی باهم ندارند. در این میان سینمای کمدی ایران هم در پی سال‌ها تجربه در ظاهر دچار تغییرات فراوانی شده اما در زیربنا چندان تغییری نکرده است. نمادها و پارادایم‌های تکراری که در اغلب فیلم‌های سال‌های اخیر به چشم می‌آیند، آثار طنز سال‌های اخیر را به نوعی فیلمفارسی سخیف تبدیل کرده که از معنا تهی هستند.

سینمای ایران از «اجاره‌نشین‌ها» در دهه ۶۰، به «من سالوادور نیستم»، «مامان، بهروز منو زد» و «دُم‌سرخ‌ها» در دهه ۹۰ رسید. خیلی زود کمدی‌های سخیف، قیمت بازیگران روی پرده‌ها را در تورمی افسارگسیخته بالا بردند و کار به آنجا رسید که دیگر کنار هم چیدن چند بازیگر زن و مرد چهره در یک فیلم، از مجموع هزینه تولید چند کمدی قابل توجه بیشتر شد.

اگرچه فیلم‌های کمدی سینمای پیش از انقلاب، بیشتر رویکردی پارادوکسیکال داشتند و تلاش می‌کردند با تضادهای کلیشه‌ای از مخاطبان خود خنده بگیرند. کلیشه‌هایی مثل دختر پولدار_ پسر فقیر، مرد روستایی و شهری و کارکترهای سنتی در موقعیت‌های مدرن از این قبیل هستند و مسائل و موضوعاتی مثل کلیشه‌های جنسیتی و بازنمایی زن و بدن زنانه، نقش‌ها و تیپ‌های ثابت فیلم‌ها مثل پدر پولدار و سخت‌گیر، مادر دلسوز و موضوعاتی مثل سرخوشی‌های الکی نشانه‌های ثابت فیلم‌های آن دوره بودند. پس از این دوران و به محض رسیدن سینمای ایران به دوران آرامش، شاید بتوان دو دهه ۶۰ و ۷۰ را نسبت به دیگر دوره‌ها تمیز داد. به گفته منتقدان سینمای ایران، آثار نمایشی این دهه‌ها را می‌توان به دور از کلیشه‌های همیشگی سینما دانست؛ کلیشه‌هایی که در دهه ۴۰ ایجاد شدند و در دهه ۵۰ به اوج خود رسیدند و در عصر حاضر با پوششی جدید اما با همان محتوا بر مخاطبان عرضه می‌شوند. آثار طنز دهه ۶۰ و ۷۰ ساختاری متفاوت دارند و بیشتری در فضایی اگزوتیک و تاحدودی خلاقانه بر مخاطبان عرضه شدند. اما وقتی نوبت به دهه ۸۰ رسید به ویژه از اواسط این دهه، برخی از همان ویژگی‌های سینمای کمدی قبل از انقلاب با درجه‌ای کمتر نسبت به گذشته بار دیگر بازنمایی شدند. و سرانجام در دهه گذشته، کارگردانان علاوه بر توجه به مولفه‌هایی مثل بازنمایی روزگار گذشته، سراغ نوستالوژی مواردی از جمله زندگی‌های آنچنانی، لوکیشن خارج از کشور و بازیگران زن خارجی رفتند به گونه‌ای که ثابت شد هر کدام محور تژادی است اما در طنز سرنوشت محور انسان می‌شود. انسان‌ها در دنیای طنز توانایی انجام کارهایی را دارند که در دنیای واقعی نمی‌توانند به آن دست بزنند. اگر موضوعی مورد انتقاد است، نویسنده می‌تواند با قلم خود به آن انتقاداتی وارد کند.

به گفته وی، انتقاد می‌تواند به مسائل مختلف مثل اخلاقیات یا هر حوزه دیگری وارد شود. در حال حاضر، فضائل اخلاقی جای خود را به رذائل اخلاقی داده‌اند. در اصل بیشتر شعارهایی که درباره ماهیت فرهنگی انقلاب از زبان آقایان شنیده شده، توفیقی پیدا نکردند و آن تراز تربیتی که مدنظر بوده، محقق نشده است.

نویسنده فیلم «امکان مینا» معتقد است: ما با اخلاقیاتی روبرو هستیم که ضدارزش‌ها، ارزش شمرده می‌شوند. این موضوع می‌تواند دستمایه طنز باشد و مورد هدف قرار گیرد. ریشه‌های این موضوع باید هدف قرار گرفته شوند اما شرایط حاکم به نحوی است که نمی‌توان به سراغ این مسائل رفت.

این نویسنده تصریح می‌کند: سیاست از دستمایه‌های بزرگ طنز به حساب می‌آید اما هنرمندان نمی‌توانند در ارتباط با مسائل سیاسی نکاتی را از زبان طنز بیان کنند. طنز در واقع بار اجتماعی دارد اما این روزها در ارتباط با این مسائل تامل نمی‌شود. یک کمدی هرچه سخیف‌تر، بیهوده‌تر و جنسیتی باشد، مقبولیت بیشتری پیدا می‌کند. در ارتباط با طنز دانش چندانی در بین سینماگران وجود ندارد و اگر هم اثری فاخر ساخته شود، برای عده‌ای غیرقابل تحمل می‌شود. من بازهم تاکید می‌کنم، طنز یکی از ابزارهای بزرگ نقد اجتماعی است و نقد اجتماعی در ایران طرفدار چندانی ندارند.

پای سرمایه در میان است

فروش خیره کننده محور مشترک اکثر فیلم‌های کمدی این روزهای سینمای ایران است. در واقع سینماگران کمدی‌ساز به خوبی ذائقه مخاطبان را دریافته‌اند. این جو به قدری فریبنده است که حتی فیلمسازان پیشکسوت نیز وسوسه می‌شوند که به این ژانر سرکی بکشند. با این حال آمار سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سینمای کمدی می‌تواند فروش فوق العاده‌ای داشته باشد به خصوص اگر بازیگر تلویزیونی و کمدین تلویزیونی روی بورس داشته باشد و یا اینکه حتی بتواند یک نوستالژی را یادآوری کند. «مطرب» در سال ۹۸ از مرز فروش ۳۰ میلیارد تومانی گذشت و به مبلغ ۳۸،۵۴۶،۴۵۶،۰۰۰ تومان دست یافت؛ این فیلم در صدر جدول پرفروش‌ترین آثار سینمای ایران قرار دارد. «هزارپا»، فیلم دیگری است که با فروش ۳۸،۰۶۳،۸۴۸،۰۰۰ تومانی در جایگاه دوم قرار دارد. «تگزاس ۲» چهارمین فیلم پرفروش سینمای ایران نیز توانست ۲۵،۰۸۸،۱۱۲،۰۰۰ تومان بفروشد. «رحمان ۱۴۰۰» نیز به فروش ۲۲،۵۴۲،۲۱۸،۰۰۰ تومانی دست یافت. بررسی جدول پرفروش‌ترین آثار سینمای ایران نشان می‌دهد، فیلم‌های «متری شیش و نیم» و «شبی که ماه کامل شد» تنها فیلم‌های غیرکمدی هستند که در ۱۰ فیلم نخست پرفروش سینمای ایران جای دارند.

نویسنده فیلم «مرد عوضی» اعتقاد دارد: بازگشت سرمایه، حرف اول و آخر را در صنعت سینما می‌زند. از رویکردها همچون ابزاری قدرتمند رکورد فروش فیلم را بالا می‌برند.

طنز همواره ناهنجاری‌ها را هدف قرار می‌دهد

فرهاد توحیدی (فیلمنامه‌نویس) در ارتباط با دلایل ضعف سینمای کمدی در ایران می‌گوید: حاکمیت در ایران توانایی هضم طنز را ندارد. طنز همواره ناهنجاری‌ها را هدف قرار می‌دهد اما انتقادات زیادی به آن وارد می‌شود.

در هر نقطه‌ای از جهان، انسان ساخت یک اثر نمایشی دست کم ۵ میلیارد تومان هزینه دارد و تهیه‌کنندگان با هزاران مشکل سرمایه ساخت فیلم را فراهم می‌کنند تا ساخت پروژه سینمایی را کلید بزنند. آنها باید متعهد شوند که هزینه ساخت فیلم به جیب سرمایه‌گذار بازخواهد گشت. خصلت سرمایه، ترسو و محافظه‌کار بودن است و سرمایه‌گذاران به فکر بازگشت هزینه‌هاهستند.

به گفته وی، در این شرایط، برخی از فیلمسازان تمام موارد تحمیلی را می‌پذیرند و می‌دانند اگر یک اثر طنز به معنای واقعی ساخته شود، برخی از روزنامه‌ها به آن واکنش نشان می‌دهند و آن را از پرده سینما به زیر می‌کشند.

در تعاریف دچار اشتباه هستیم

نویسنده «شهر موش‌های ۲» باور دارد که انجام امور در دست کاردان نیست و همین مسائل سبب شده تا سینمای ایران گرفتار وضع موجود شود. به گفته وی، جنس اصل خریدار ندارد و بدل در این روزها خریدار دارد.

سلیقه‌ها نیز تنزل یافته و مسائلی که این روزها گریبانگیر مردم شده سبب می‌شود تا آن‌ها به دنبال مسائلی باشند تا مشکلات خود را ولو برای مدتی کوتاه فراموش کنند. اگرچه سینما باید بارآموزشی داشته باشد اما اینطور می‌گویند باید جنبه سرگرمی داشته باشد.

توحیدی می‌گوید: ما در تعاریف خود دچار اشتباه هستیم، این موضوع در سطوح مدیریتی نیز مشکلاتی ایجاد کرده است. هیچ‌کس نمی‌تواند برخلاف تعاریف عمل کند. این مسائل سبب می‌شود تا مدیران ترسو شوند و تنها به موقعیت خود بیندیشند و مواردی که برای میز آن‌ها ایجاد خطر می‌کند را حذف می‌کنند. تنها آنچه که قابل به ظاهر قابل تحمل است مورد تایید قرار می‌گیرد که اغلب هم برخلاف شعارهای اخلاقی است. نتیجه این می‌شود که خزعبلاتی که روی پرده سینما اکران می‌شود نه تنها تایید بلکه تشویق هم می‌شوند و حتی اجازه ساخت آثار بعدی به آن‌ها داده می‌شود. این همه برای آن است که اندیشه حاکم این است که با مدیران و عملکرد آنها کاری نداشته باشیم و هر آنچه غیر از آن است را انجام دهیم.

سخن پایانی

سینمای ایران غالبا بر وجه فیزیولوژیک خنده استوار است و با کارهایی که ارائه می‌دهد، تماشاچیان را تحریک می‌کنند تا به موضوعی واکنش نشان دهند. پیش از انقلاب، سینمای کمدی از انقلاب به استثنای چند فیلم و سریال از نظر عمق و محتوا پوچ و خالی بودند و غالبا یک فضای سرگرم کننده موزیکال را به مخاطبان نشان می‌دادند.

محدودیت در خطوط قرمز و سانسور نکردن محتوای جنسی نیز عواملی بودند که سبب گسترش آن دست از فیلم‌ها می‌شدند؛ شوخی‌هایی که حالا مدل پاستوریزه آن در سینمای بعد از انقلاب به وضوح دیده می‌شود.

سینمای ایران غالبا بر وجه فیزیولوژیک خنده استوار است و با کارهایی که ارائه می‌دهد، تماشاچیان را تحریک می‌کنند تا به موضوعی واکنش نشان دهند. پیش از انقلاب، سینمای کمدی از انقلاب به استثنای چند فیلم و سریال از نظر عمق و محتوا پوچ و خالی بودند و غالبا یک فضای سرگرم کننده موزیکال را به مخاطبان نشان می‌دادند.

بازیگرانی که جان خود را در فیلم‌ها به بازی می‌گیرند

گروه سینما و تلویزیون– تعداد زیادی از بازیگران مشهور و معروف هستند که تمایل دارند بدلکاری فیلم‌هایشان را خودشان انجام دهند.

این روزها تکنولوژی به اندازه‌ای پیشرفت کرده که گاهی هیچ نیازی به بدلکار برای انجام بعضی از سکانس‌ها نیست. در ابتدا این بدلکارها بودند که جایگزین بازیگران برای لحظات پر تنش و خطرناک فیلم‌ها می‌شدند، اما اکنون تکنولوژی می‌تواند این کار را انجام دهد تا دیگر جان کسی در خطر نباشد.

بسیاری از بازیگران استفاده از این جایگزین‌ها را ترجیح می‌دهند تا سلامت خود را حفظ کنند و به آینده حرفه بازیگری آن‌ها آسیبی وارد نشود. اگرچه هنوز هم تعداد زیادی از بازیگران سطح بالا و معروف هستند که تمایل دارند بدلکاری فیلم هایشان را خودشان انجام دهند و اهمیتی برایشان ندارد که ممکن است چه خطراتی آن‌ها را تهدید کند.

این تصمیم آن‌ها عموماً مورد توجه قرار می‌گیرد و مخاطبان از آن استقبال می‌کنند. چراکه می‌دانند بازیگر بیش از تعهدش برای فیلم کار کرده و به ارائه لحظاتی واقعی‌تر کمک کرده است. در اینجا چندین بازیگر را می‌بینید که لحظات بدلکاری هایشان در فیلم‌ها را خودشان انجام دادند.

جیسون استاتهام

جیسون استاتهام برای بازی در فیلم‌هایی مثل «پارکر»، «ترانسپورتر»، «کرانک ۱ و ۲» و تعداد زیادی از فیلم‌های اکشن دیگر شناخته می‌شود. او بدلکاری اکثر این فیلم‌ها را خودش انجام داده و همچنان هم در فیلم‌هایی که بازی می‌کند، بدلکاری هایش را خودش انجام می‌دهد. شاید به همین دلیل است که این کار برای او به نوعی وظیفه تبدیل شده و اکنون طرفداران از او انتظار دارند بدلکاری‌ها را خودش انجام دهد. استاتهام که در زمینه کیک بوکسینگ، جوجیتسو و هنرهای رزمی مهار دارد، در فیلم هایش سکانس‌هایی از تصادف اتومبیل گرفته تا شنا در اعماق دریاها را بازی کرده است.

هریسون فورد

هریسون فورد یکی از شناخته شده‌ترین بازیگران و تهیه کنندگان فیلم آمریکایی است. او عمده شهرتش را بیشتر برای نقش آفرینی در اولین فیلم‌های «جنگ ستارگان» و همینطور نقش اصلی مجموعه فیلم‌های «ایندیانا جونز» به دست آورده است. او سابقه نقش آفرینی در فیلم‌های «بلید رانر» به کارگردانی ریک دکارد و همینطور فیلم اکشن جاسوسی «تهدید فوری و آشکار» را در کارنامه دارد. تا کنون او کارنامه حرفه‌ای طولانی و پربار داشته و بیشتر بدلکاری‌ها توسط خود هریسون انجام گرفته است.

کامرون دیاز

هالیوود مملو از مردانی است که دوست دارند بدلکاری‌های نقششان را خودشان انجام دهند، اما برخی از زنان نیز در این زمینه وجود دارند که می‌توانند این وظیفه را نیز انجام دهند. کامرون دیاز یکی از آنهاست و یکی از بازیگرانی است که همیشه از تمرین‌های سخت و انجام بدلکاری‌های پرخطر خود احساس رضایت می‌کند. یکی از مثال‌ها برای بدلکاری او فیلم «شوالیه و روز» است.

کریستین بیل

سلبریتی دیگری که نمی‌ترسد وحشت خود را کنار بگذارد و بدلکاری‌های خود را انجام دهد، کریستین بیل است. او بیشتر بدلکاری‌های خود را در چندین مورد از فیلم هایش، به ویژه مجموعه فیلم‌های «شوالیه تاریکی» انجام داده است؛ وقتی از بیل درباره بدلکاری هایش پرسیده شد او گفت: من تمام سکانس‌های مبارزه را خودم انجام می‌دهم، اگرچه من یک بدل فوق العاده نیز در کنارم دارم که یک رزمی کار حرفه‌ای است، اما لازم نبود از او استفاده کنم. بیل که به خاطر بازی در نقش بتمن مشهور است، می‌گوید که تمام صحنه‌های اکشن را خودش انجام می‌دهد، اما صحنه خطرناک را به کسانی که به طور حرفه‌ای برای آن آموزش دیده اند واگذار می‌کند.

دنیل کریگ

این بازیگر برای نقش آفرینی به عنوان مامور ۰۰۷ در مجموعه فیلم‌های جیمزباند شناخته می‌شود. او یکی دیگر از بازیگرانی است که در هنگام فیلمبرداری سکانس‌های اکشن فیلم ها، صحنه‌های بدلکاری را خودش انجام می‌دهد. فیلم‌های جیمزباند عموما آثاری هستند که به دلیل بدلکاری هایشان، فیلمبرداری آن‌ها زمانبر و سخت است. او برای بدکاری در این فیلم‌ها چندین بار آسیب دیدگی‌های مختلف از زخم و کبودی گرفته تا آسیب از ناحیه زانو را تجربه کرده است.

جکی چان

او به خاطر اجرای تمامی بدلکاری‌های فیلم هایش مشهور است. فیلم‌هایی که لحظاتی مرگبار داشته اند و دیدن آن‌ها مخاطب را به نفس نفس انداخته است. او همیشه در فیلم هایش اصرار داشته که از بدلکار استفاده نکند و سکانس‌های اکشن را خودش بازی کند. خراش ها، کبودی و همینطور شکستگی استخوان از ناحیه‌های مختلف گواه علاقه جدی جکی چان به انجام کارهای پر خطر است.

تام کروز

تمامی علاقه‌مندان به سینما تام کروز را به دلیل اینکه او بدلکاری و لحظات اکشن فیلم‌ها را خودش بر عهده می‌گیرد، می‌شناسند. او که اکنون مشغول فیلمبرداری جدیدترین قسمت از مجموعه فیلم‌های «ماموریت غیرممکن» است در سال‌های اخیر در لحظات پرخطری از فیلم‌ها بدلکاری کرده، اما هنوز هم او خودش را متعهد به ارائه بهترین شکل سرگرمی سازی به مخاطب می‌داند. کروز سال‌ها پیش تایید کرده بود که دیگر از انجام بدلکاری‌ها نمی‌ترسد و از آن‌ها لذت می‌برد.

تأیید ساخت دنباله «گشت جنگلی» با بازگشت دواین جانسون

گروه سینما و تلویزیون– دیزنی به ساخت قسمت دوم فیلم «گشت جنگلی» چراغ سبز نشان داده و دواین جانسون هم برای نقش‌آفرینی در این فیلم باز خواهد گشت.

دیزنی گزارش داد که کشتی «گشت جنگلی» دوباره به راه خواهد افتاد و ساخت دنباله این فیلم ماجراجویانه که با الهام از یکی از پارک‌های دیزنی ساخته شده، در دستور کار قرار گرفته است. نخستین قسمت این فیلم سینمایی تا هفته گذشته از فروش ۱۰۰ میلیون دلاری در گیشه داخلی عبور کرده است.

دواین جانسون و امیلی بلانت هم که زوج اصلی این فیلم سینمایی بودند، برای ادامه ماجراجویی‌های خود در فیلم بعدی هم حاضر خواهند شد. جانسون نقش یک کاپیتان کشتی و بلانت هم نقش یک کاشف وکاوشگر را ایفا کرده بودند.

انتظار می‌رود که ژائومه کویت سرا هم برای کارگردانی قسمت دوم این فیلم بازگردد؛ اما این موضوع هنوز قطعی نشده است. مایکل گرین، گلن فیکارا و جان ریکوآ که فیلمنامه «گشت جنگی» را نوشته اند، در قسمت دوم نیز حضور دارند.

«گشت جنگلی» در روز ۳۰ ژوئیه به طور همزمان در سینما و سرویس نمایش آنلاین دیزنی پلاس منتشر شد. این فیلم در هفته ابتدایی اکران ۳۴ میلیون دلار در سینماها فروخت و طبق آمار دیزنی ۳۰ میلیون دلار هم از طریق دیزنی پلاس فروش داشته است. این فیلم در هفته پنجم اکران سینمایی توانست مرز ۱۰۰ میلیون دلار را رد کند. در گیشه جهانی هم فروش این فیلم ۱۸۷ میلیون دلار اعلام شده است.

طی پاندمی کرونا پیش بینی موفقیت تجاری برای این فیلم با توجه به اکران ترکیبی که برای آن در نظر گرفته شده بود، سخت به نظر می‌رسد. از طرفی هم افزایش میزان مبتلایان به دلتا واریانت کرونا صنعت سینما را تحت تأثیر قرار داده بود، اما «گشت جنگلی» با موفقیت توانست بالاتر از آثاری همچون «هرج و مرج فضایی»، «گودزیلا در برابر کونگ» و «کروئلا» قرار بگیرد.

البته فروش این فیلم با محصولات دیگری مثل «بیوه سیاه»، «سریع و خشن ۹» و «یک مکان ساکت ۲» اختلاف زیادی داشت. در مجموع در دوران معمولی نمی‌توان فروش «گشت جنگلی» را موفقیت آمیز دانست، اما در شرایط پاندمی می‌توان آن را به اندازه کافی موفق دانست که دیزنی به ساخت قسمت دوم آن چراغ سبز نشان داده است.

«روزگار جوانی» صاحب موسیقی شد

گروه سینما و تلویزیون–با پایان یافتن تصویربرداری سریال «روزگار جوانی» به کارگردانی اصغر توسلی مراحل فنی در حال انجام است تا سریال برای پخش آماده شود.

سپهر محمدی تهیه‌کننده سریال «روزگار جوانب» گفت: تصویربرداری مجموعه در تهران و شمال کشور به پایان رسید و تدوین توسط محسن توکلی به نیمه رسیده است و جمشید هاشمیان صداگذاری سریال را عهده‌دار است. وی ادامه داد: موسیقی فیلم توسط آرش بادپا، سازنده موسیقی سریال «زیرخاکی» ساخته می‌شود.

در مجموعه «روزگار جوانی» برای حفظ قرابت با فصل اول سریال برخی از ارجاعات از جمله فولکس واگن و شخصیت عباس آقا (بیوک میرزایی) در نظر گرفته شده است.

آریا توسلی، سعید زارعی، سینا کرمی، عیسی حسینی، امیر مسعود واعظ تهرانی، به همراه: بیوک میرزایی، زهرا داودنژاد، رسول نجفیان، سیاوش چراغی‌پور، لاله صبوری، سولماز حصاری، خسرو احمدی، سیامک حلمی، محمود قدیریان، فرشته آلوسی، زینب عباسی، داریوش شهبازی، سپاس رضایی، فرشته مرعشی، مجید شهریاری، مهبد جهان‌نوش، هیلدا کردبچه از بازیگران این سریال هستند.

تولید «روزگارجوانی» در گروه فیلم و سریال شبکه پنج سیما به تهیه‌کنندگی سپهر محمدی و کارگردانی اصغر توسلی از بهمن‌ماه ۹۹ شروع شده است و قرار است در ۳۰ قسمت روی آنتن برود. عواملی که در ساخت سریال همکاری دارند عبارتند از تهیه‌کننده: سپهر محمدی، کارگردان: اصغر توسلی، نویسندگان: اکبر محلوجیان، فرهاد نقدعلی، محمد رضا زمانی، احدی‌نیا، مدیر نور و تصویربرداری: حسن اسدی، گروه تصویر: رسول تنهایی، کارن شریفی، محسن اسدی، مدیر برنامه ریزی: محمد صادقی، دستیار: سلمان درفشان، دستیاران کارگردان: پوریا تکاور، اتا حسینی، رها جهانشاهی، منشی صحنه: سمانه دالوند، طراح لباس: فرانک شریفیان، دستیاران: ضحی زینالی، الناز جعفری، درسانیاکان، مدیر صدابرداری: علیرضا نیازی، دستیاران: کیوان امراللهی، ماهان رستمی، طراح چهره‌پردازی: محمد ضیایی، دستیاران: مهدی مقدم، فاطمه حافظی، محمد رضا شیرمحمدی، سمانه صادقی، تدوین: محسن توکلی، دستیار: شادی شایانفر، طراح صحنه: محمد رضا میرزا محمدی، دستیاران: تیمور کمری، آیدا ذکایی، امید سوادی، علیرضا میلانی، گرافیست صحنه: فرنوش هنری.

فیلمبرداری «همانطور که قدم می‌زدم متوجه شدم» به پایان رسید

گروه سینما و تلویزیون – فیلمبرداری فیلم کوتاه «همانطور که قدم می‌زدم متوجه شدم» به کارگردانی سورنا بایراملو به اتمام رسید.

فیلمبرداری فیلم کوتاه «همانطور که قدم می‌زدم متوجه شدم» به کارگردانی سورنا بایراملو در تهران به اتمام رسید. سورنا بایراملو کارگردان جوان فیلم کوتاه «همانطور که قدم می‌زدم متوجه شدم» ۱۸ سال دارد و فعالیت خود در عرصه تصویر را از هفت سالگی و با بازی در فیلم سینمایی «تلفن همراه رییس جمهور» به کارگردانی علی عطشانی آغاز کرده است. این کارگردان پیش از این تجربه ساخت سه فیلم کوتاه با نام‌های «حسرت»، «گربه ماهی وجودش را دارد» و «قبلا» در کارنامه خود ثبت کرده است. بایراملو در فیلم‌های «پدر آن دیگری»، «بیست و سه نفر»، «آقای الف»، «تلفن همراه رییس جمهور»، سریال «گروهان بلال» و فیلم «جزیره گنج» بازی کرده است. محمد کرمی و مهدی مشهدی‌زاده از بازیگران این فیلم کوتاه هستند. دیگر عوامل این فیلم عبارتند از مهدی بایراملو مجری طرح، مانی عطشانی مدیر فیلمبرداری، حسین ترک جوش برنامه ریز و دستیار اول کارگردان، سعید دلاوری مدیر تولید، هانیه کریمی طراح گریم، اشکان پورتاجی مدیر صدابرداری، لادن باقری طراح صحنه و لباس، نرگس امیر اصلانی منشی صحنه، شهریار امیری عکس، اردلان ترک جوش مدیر تدارکات. فیلم کوتاه «همانطور که قدم می‌زدم متوجه شدم» با کارگردانی سورنا بایراملو در بیتا فیلم تهران تهیه شده است.

تصویربرداری ۴۰ درصدی فصل چهارم سریال «از سرنوشت»

گروه سینما و تلویزیون – تاکنون ۴۰ درصد از تصویربرداری سریال «از سرنوشت» به کارگردانی سید محمدرضا خردمندان انجام شده است.

فصل چهارم سریال «از سرنوشت» به کارگردانی سید محمدرضا خردمندان و تهیه‌کنندگی اکبر تحویلیان، به قلم محمد محمود سلطانی و روح الله صدیقی این روزها حوالی اتوبان آزادگان در حال تصویربرداری است. تاکنون ۴۰ درصد تصویربرداری سریال پیش رفته است. علاوه بر بازیگران فصل های قبل، تعداد زیادی از هنرمندان کشور در فصل جدید «از سرنوشت» به ایفای نقش پرداخته اند.

بازیگران این سریال عبارتند از: مجید واشقانی، لیلا بلوکات، پوریا پورسرخ، حسین پاکدل، مائده طهماسبی، سید مهرداد ضیایی، نگین صدق گویا، سولماز غنی، ساناز سعیدی، یغما یارعلی، سارا والیانی، مسعود انتظاری، دارا حیایی، کیسان دیباج، فاطیما بهارمست، مونا کرمی، مهدیس توکلی و ...

نمایشگاه پرده هرمز
(مهندس مرتضی اصغری)
kish_pardehormoz.asghari
kish_pardehormoz.asghari
0914 457 4470
ارائه کلیه خدمات پرده و عرضه لوازم جانبی آن
کاغذ دیواری - پوستر - کالای خواب
طراحی و اجرای تخصصی دکوراسیون داخلی